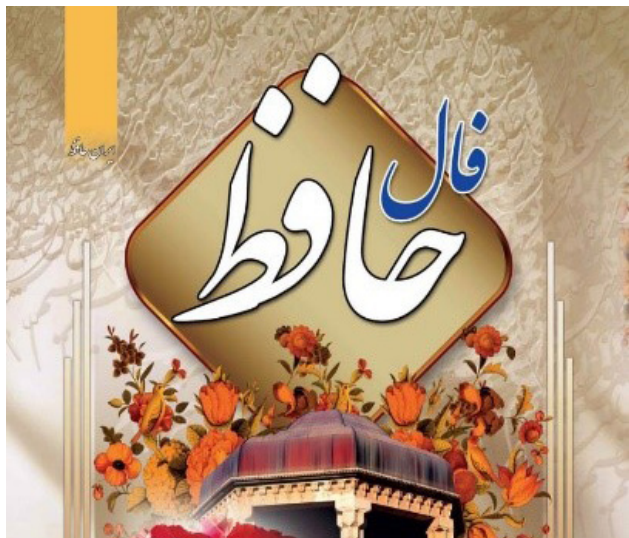




امروز شما



مهر

به این سرگردانی باید پایان داد. راه و هدف را مشخص کن. در اینصورت تکلیف تو با دیگران و تکلیف دیگران با تو روشن خواهد شد و روابط عاطفیت سروسامان می‌گردد.

آبان

در شرایط تازه‌ای قرار می‌گیری که باید دست به انتخاب جدیدی بزنی. همیشه عاقبت کار را در نظر بگیر و دست به عمل بزنی و گرنه ضرر می‌کشی.

آذر

بی‌ملاحظه به دیگران اعتماد می‌کنی. شاید این کار نشانه حسن نیت تو باشد؛ اما باید مراقب بود که دیگران از این رفتار سوءاستفاده نکنند. چون همه نیت خوبی ندارند.

دی

بهر است به جای پرداختن به رویاهای زیبا اما غیرممکن به واقعیت‌های موجود توجه کنی. درست است که این واقعیت تلخ و دشوار به نظر می‌رسد اما تو پیروزیات را از متن همین واقعیت‌ها می‌یابی.

بهمن

تأکید و پافشاری تو در بعضی از کارها زیان‌آور است. در زندگی باید انعطاف داشت و خوشتر بود. باید اجازه بدی تا زمینه‌های لازم برای مسائلی که ذهنت را مشغول کرده، آماده شود.

اسفند

به جای اینکه آسمان و ریسمان به هم بیانی و خود را گول بزنی، بهتر است با واقعیت‌ها روبرو شوی و از اطرافیان و دوستانت شناخت دقیق‌تری داشته باشی.

فروردین

کسی که برعکس جریان حرکت می‌کند باید عواقب آنرا نیز پذیرفته باشد. تو دوست داری آزاد و رها باشی و این آزادی براحتی بدست نمی‌آید.

اردیبهشت

تخیلات مثل ریسمان درازی است که هر چه می‌کنی پایانی ندارد. خود را از این تخیلات رها کن و واقعیت‌ها را ببین. کسی را که دوست داری، دچار توهم نکن. با او شفاف و روراست باش.

خرداد

اتفاقاتی می‌افتد که تو را دوباره تو را امیدوار و خوش‌بین خواهد کرد. تو دوستدار زندگی هستی اما نباید خود را به رویاهای دور و دراز سرگرم سازی. زندگی را از هم‌اکنون باید شروع کرد و غم فرداها را نخورد.

تیر

به خاطر برخورد اشتباهت، دچار بحران عاطفی خواهی شد. فعلاً برای این موضوع نمی‌توان کاری کرد. باید منتظر بمانی تا ابعاد آن مشخص شود و بعد فکر چاره کنی.

مرداد

در شرایطی قرار گرفتی که تحت نظر هستی. هر کاری که بکنی، فوراً به چشم می‌آید و دیده می‌شود. باید مراقب رفتار و کردارت باشی و خطایی مرتکب نشوی چون اتفاق بزرگی در انتظار توست.

شهریور

باید وقت گرانبهای خود را به مسائل بیهوده و نزاع‌های بی‌حاصل یا کسی که ارزش تو را نمی‌داند، هدر دهی. باید به فکر تغییر این اوضاع باشی و با کسی معاشرت کنی که قدر تو را بدانند.



خواندن

حساسیت بیان عشق برای نوجوانان



مهدی رجیبی با بیان این‌که شیوه بیان مسائل برای نوجوانان و بزرگسالان مرز باریکی دارد و بیان برخی مفاهیم هم هنرمندی و چیره‌دستی می‌خواهد تا در این مرز باریکی سقوط نکنند می‌گوید: فکر می‌کنم بیان موضوعی چون عشق برای نوجوان ضرورت دارد البته شیوه بیان موضوع بسیار مهم است زیرا مرز باریکی است. نویسنده کتاب نوجوانان در گفت‌وگو با ایسنا درباره مفاهیم بزرگسالانه در ادبیات کودک و نوجوان اظهار کرد: پاسخ به این سؤال می‌تواند کلی باشد، زیرا بچه‌ها با هم فرق دارند؛ شرایط زیستی و فرهنگی و روابط اجتماعی نوجوانی که در تهران زندگی می‌کند با نوجوانی که در شهرستان روح و روان و شخصیت نوجوان لازم است تا لایه‌های زیرین متن را دریافت کند. کتاب‌های فلسفی و دیگر کتاب‌ها به خاطر این‌که زمینه روانشناسی و جامعه‌شناختی و سیاسی دارند، چندان برای نوجوان قابل درک نیستند مثلاً کتاب «هرشد و مارگارتا». این کتاب پس‌زمینه‌ای از شوروی و فضای کمونیستی دارد و مخاطب بزرگسالی که کتاب را می‌خواند دریافت‌هایش با نوجوان ۱۵ ساله متفاوت است. این نوجوان ممکن است متوجه یک قصه شود اما نمی‌تواند پیوندها را بین متن و پیش‌زمینه سیاسی و اجتماعی برقرار کند. نویسنده‌های کودک و نوجوان هم سعی می‌کنند اگر موضوعی را می‌گویند درخور شخصیت کودک و نوجوان موضوع را بگویند. کتاب «قلعه حیوانات» جورج اورول را نوجوانان می‌توانند بخوانند و قصه را هم متوجه شوند اما پس‌زمینه ذهنی اورول و نقدی را که بر کمونیسم و جوامع بلوک شرق دارد، متضارب هستند و صحبت در این حیطه دشوار است؛ اما من فکر می‌کنم بیان موضوعی چون عشق برای نوجوان ضرورت دارد البته شیوه بیان موضوع بسیار مهم است زیرا مرز باریکی است. ممکن است نویسنده فراتر برود و ذهن نوجوان را به هم بزند اما باز هم مخاطب‌ها متفاوت هستند.

رجیبی با تأکید بر این‌که بیان برخی از مفاهیم هنرمندی و چیره‌دستی می‌خواهد تا از این مرز باریکی سقوط نکند، ادامه داد: این مرز باریکی مانند مرز هنر و ابتداء است. ممکن است یک موسیقی زیبا و عمیق بشود و ممکن است موسیقی‌ای مصرفی و گذرا شود در حالی که هر دو از یک نوع ابزارآلات موسیقی استفاده می‌کنند. یا نویسنده‌ای در زمینه وحشت بنویسد و از ابتداء تا پایان سلاخی کند و از ابزار کلمه استفاده کند اما نه ساختار داشته باشد نه فرم و نه محتوا و نه پس‌زمینه اجتماعی روزگار خود را بیان کند و نوجوان کتاب هم نوجوانی خودش باشد نه نوجوان امروز. البته محدودیت‌ها هم بسیار است و ممکن است نویسنده یا خود بگوید بهتر است بی‌خیال شوم و اگر یک کار ایتر انجام ندهم بهتر است. مثلاً درباره اعتیاد نوجوان کتابی نداریم درحالی‌که سن اعتیاد

با توضیحاتی از مهران مدیری

کرونا نظم «دوره‌می» را بهم ریخت



مهران مدیری با اعلام اینکه ۹ قسمت دیگر «دوره‌می» به فینال می‌رسد، درباره نحوه برگزاری ادامه قسمت‌های این مسابقه تلویزیونی توضیحاتی را ارائه داد. به گزارش ایسنا، مهران مدیری درباره جزئیات فینال «دوره‌می» چنین گفت: ۲۴ نفر از ۲۴ برنامه اول شدند و در مرحله نیمه نهایی حضور دارند. ۹ قسمت از این برنامه از یکشنبه شب به نیمه نهایی، نهایی و فینال فینالیست‌ها اختصاص پیدا می‌کند. مدیری در توضیحات بیشتر درباره مرحله نیمه نهایی گفت: پیش از این مرحله دایره با هشت نفر بود و حالا با چهار نفر برگزار می‌شود. از این چهار نفر یک نفر با امتیاز کمتر خارج می‌شود و سه نفر به مرحله ژوئیت خواهند رفت. شش قسمت به این شکل خواهد بود. دو قسمت طور دیگر است و یک قسمت نهایی بین دو نفر برگزار خواهد شد. از میان این دو نفر یک نفر برگزیده مسابقه خواهد بود؛ یعنی از امشب بعد از ۹ قسمت به فینال فینالیست‌ها و نفر آخر که برنده برندگان خواهد بود، می‌رسیم.

وی تأکید کرد که در مرحله جدید مسابقه «دوره‌می» سؤالات سخت‌تر شده است. مجری «دوره‌می» که این توضیحات را در برنامه یکشنبه - سوم مرداد ماه - ارائه می‌داد، همچنین درباره نحوه حضور فینالیست‌ها گفت: قرار بود برندگان را به ترتیب

نگاهی به فیلم سینمای «بعد از تو»؛

طمع؛ چاهی که انتها ندارد



کجا در قالب یک راننده تاکسی تلفنی بر سر راه لیلیا (با بازی مینا وحید) سبز و با او همراه می‌شود؛ یا این‌که فرهاد بی‌دست و پای که دائم تمام زندگی‌اش را قمار کرده و درجا زده است چطور در زمانی کوتاه به ثروت خیره‌کننده دست یافته؟ نکته اصلی فیلم البته بحثی است که امروز به‌شدت و با توجه به شرایط اجتماعی حاضر که گویی اختلاف طبقاتی بسیار عمیق‌تر از گذشته شده، جای حرف و سخن دارد.

آدم‌هایی در دو سر طیف که یکسر آنقدر همه‌چیز دارد که زندگی‌اش تماماً به عیاشی و خوش‌گذرانی می‌گذرد و طیف دیگری که دائماً در حسرت این سبک زندگی تقلا می‌کند تا به آنچه عامل خوشبختی می‌پندارد دست یابد.

لیلیا البته نماینده طیفی که هیچ‌چیز ندارد نیست اما به‌شدت سودای بهترین بودن و بهترین داشتن را دارد و در این مسیر تابانجا پیش می‌رود که زندگی مشترکش را که شاید برای بسیاری یک زندگی خوب تلقی می‌شود صرفاً به بهانه خواسته‌های فوق‌العاده‌ای که در سر دارد، ترک می‌کند.

یکی از نکات قابل‌توجه در مورد فیلم بعد از تو این است که بیانیه صادر نمی‌کند، قضاوت و ارزش‌گذاری نمی‌کند و تلاش می‌کند تا بدون زاویه داشتن تباهی انسان‌ها را در راهی که در پیش گرفته‌اند به تصویر بکشد.

در این قصه «فرهاد» (با بازی تیرداد کبابی) همان‌قدر تباه‌شده و از چیزی که بوده فاصله گرفته است که لیلیا و مخاطب همان‌قدر می‌تواند از لیلیا به خاطر تصمیم‌هایش متنفر باشد که از فرهاد به دلیل آن چیزی که به آن بدل شده است.

در حقیقت در اینجا قدرت داستان در این است که یکی را ظالم و دیگری را مظلوم به تصویر نمی‌کشد بلکه بهای انتخاب‌های انسان‌ها را به رویشان می‌آورد؛ انتخاب‌هایی که حتی لیلیا که دائماً از تقدیر صحبت می‌کند و قدرت انتخاب را نهدی می‌کند درجایی از قصه مجبور می‌شود اعتراف کند که انتخاب کرده و آن دیالوگ به‌یادماندنی را بگوید: تجربه‌های من امروز ترسین چیزهایی بودن که خیلی گرون به دست آوردمشون.

در نهایت برخلاف فیلم‌هایی که به دیدن آن عادت کرده‌ایم که خوب شروع می‌شوند و حتی خوب پیش می‌روند اما با یک پایان‌بندی نامناسب هرچه رفته‌اند را پنبه می‌کنند، بعد از تو همان‌قدر که خوب شروع می‌کند خوب به تمام می‌کند و نشان می‌دهد که برای یک فیلم جذاب نه نیازی به بازیگران سوپرستار هست و نه نیازی به هزینه‌های هنگفت طراحی صحنه و لباس و ... فیلمی که با بازیگران نه‌چندان مشهور اگرچه قصه تکراری چاه بی‌پایان طمع را پیش می‌کشد اما آن‌قدر در روایت خود خلاق و جذاب عمل می‌کند که بیننده را تا ته قصه با خود همراه می‌سازد.

عکس روز:



دروازه قرآن شیراز در قدیم

شهروند عکاس

عکس‌های حرفه‌ای خود را با کیفیت

مطلوب به آدرس ایمیل روزنامه طلوع

ارسال toloudaily@gmail.com

کنید تا در روزنامه درج گردد